

Islamic Knowledge and Insight

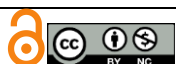
The Realm of Barzakh from the Perspective of Transmitted Proofs

1. Ghodrat Azadi: PhD Student, Department of Theology and Islamic Studies, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran
2. Karim Abdolmaleki*: Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Shahid Mahallati University of Qom, Qom, Iran. (Email: k.abdolmaleki57@gmail.com)
3. Seyed Karim Koobbin Khoshnazar: Assistant Professor, Department of Quranic Interpretation and Sciences, University of Quranic Sciences and Studies, Qom, Iran

Abstract

In linguistic terms, *Barzakh* means a separator, barrier, hidden divider, and an intermediate boundary between two things. Lexicographers have two views regarding the root of this word. Some believe that it is derived from the word *barāz* with an open *bā'*, which means a vast land that separates two seas or two large rivers. Subsequently, the term *Barzakh* deviated from its original meaning and was extended to denote anything that creates a separation between two entities. For instance, even the boundary between shade and sunlight was referred to as *Barzakh*. Numerous narrations have been reported concerning *Barzakh*. Imam al-Sādiq (peace be upon him) stated: "As for the Day of Judgment, you will attain Paradise through the intercession of the Prophet and the successor of the Prophet, but by God, I fear for you in *Barzakh*!" This narration implies that while intercession will apply on the Day of Resurrection, the fear of punishment in *Barzakh* remains a significant concern. The intended meaning of *Barzakh* in this context aligns with its definition in theological discourse and religious terminology, referring to the intermediate realm between death and resurrection. In the common usage among theologians, *Barzakh* is synonymous with the world of the grave. The primary question to be examined is whether the realm of *Barzakh* exists or not. This necessitates an inquiry into whether humans truly reside in *Barzakh* from the time of death until resurrection. Furthermore, it must be explored whether the belief in the existence of *Barzakh* is an essential and undisputed doctrine among Muslims, such that its denial would place someone outside the fold of Islam, or if there exists room for disagreement among Muslims regarding this matter, allowing some to reject the existence of *Barzakh* while still remaining within the Muslim community.

Keywords: *The realm of Barzakh, transmitted proofs, Qur'anic verses, narrations.*



How to cite: Azadi, G., Abdolmaleki, K., & Koobbin Khoshnazar, S. K. (2024). The Realm of Barzakh from the Perspective of Transmitted Proofs. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 239-250.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 14 August 2024

Revise Date: 25 September 2024

Accept Date: 11 October 2024

Publish Date: 23 October 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

عالم برزخ از نظر ادله نقلی

۱. قدرت آزادی: دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران
۲. کریم عبدالملکی*: استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه شهید محلاتی قم، قم، ایران. (پست الکترونیک: k.abdolmaleki57@gmail.com)
۳. سید کریم خوب بین خوش نظر: استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

چکیده

برزخ در لغت به معنای جداکننده، حایل، جداکننده مخفی و حد وسط بین دو چیز است. اهل لغت درباره ریشه این کلمه دو قول دارند: برخی معتقدند این کلمه از واژه «براز» با فتح باء گرفته شده است. براز به معنای زمین پهناوری است که بین دو دریا یا بین دو رودخانه بزرگ فاصله انداخته است. سپس کلمه برزخ از معنای اصلی خود خارج شد و توعه یافت و درباره هر چیزی که بین دو چیز دیگر فاصله می‌انداخت و آن‌ها را از هم جدا می‌کرد، به کار رفت؛ به گونه‌ای که حد فاصل (مرز) سایه و آفتاب را هم برزخ نامیدند. روایات فراوانی در خصوص برزخ بیان شده است، قال الصادق (ع): «أَمَّا فِي الْقِيَامَةِ فَلَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِشَفَاعَةِ النَّبِيِّ الْمُطَاعِ وَوَصِيِّ النَّبِيِّ وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ!». امام صادق می‌فرماید: اما در روز قیامت برای ورود به بهشت شفاعت پیامبر و جانشین پیامبر شامل حال شما می‌شود، و اما من و به خداوند سوگند برای شماها از عذاب برزخ بیم دارم. مراد از عالم برزخ، همان برزخ در اصطلاح متکلمان یا همان برزخ در اصطلاحات دینی، یعنی عالم میان مرگ و قیامت و به تعبیر رایج متکلمان، عالم قبر می‌باشد. اکنون باید وجود داشتن یا وجود نداشتن عالم برزخ بررسی شود؛ یعنی بررسی شود که آیا حقیقتاً انسان پس از مرگ تا قیامت در عالم برزخ به سر می‌برد یا این گونه نیست آیا میان مسلمانان وجود عالم برزخ امری ضروری است به این معنا که هیچ مسلمانی آن را انکار نکرده است و اگر کسی آن را انکار کند، در زمره مسلمانان قرار ندارد یا میان مسلمانان نیز وجود عالم برزخ امری ضروری نیست و می‌توان کسانی را یافت که عالم برزخ را انکار می‌کنند و در عین حال مسلمان‌اند.

کلیدواژه‌گان: عالم برزخ، ادله نقلی، آیات، روایات

شیوه استناددهی: آزادی، قدرت، عبدالملکی، کریم، و خوب بین خوش نظر، سید کریم. (۱۴۰۳). عالم برزخ از نظر ادله نقلی. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۳)، ۲۳۹-۲۵۰.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲ آبان ۱۴۰۳

مقدمه

۱- در تنها آیه‌ای که فاصله میان مرگ و قیامت را برزخ خوانده است تصریح شده که انسان پس از مرگ دارای نوعی حیات است که تقاضای بازگشت می‌کند و اظهار پشیمانی و ندامت می‌نماید ولی درخواست او قبول نمی‌شود و در پایان می‌فرماید: **وَمِنْ وَّرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ** از آن لحظه به بعد تا روز قیامت عالم برزخ است. گروه دوم: آیاتی است که لفظ برزخ در آن‌ها نیست ولی بازگو کننده حیات پس از مرگ می‌باشند که این آیات بر چهار قسم است: یکم آیاتی که گفتگوی انسان‌های فاسد با فرشتگان الهی را یاد می‌کند و آن‌ها از اعمال خود در روی زمین احساس شرمندگی می‌کنند مثل این که می‌فرماید آنان که هنگام مرگ بر خود ظلم و ستم روا داشتند فرشتگان از آن‌ها می‌پرسند که در چه کار بودید پاسخ می‌دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم فرشتگان گویند آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن سفر کنید از آن‌ها عذر نپذیرند مأوای ایشان جهنم است این مذاکرات متعلق به عالم برزخ است و برهانی محکم بر وجود برزخ می‌باشد.

۲- آیاتی که گفتگوی انسان‌های صالح را با فرشتگان الهی بازگو می‌کند و فرشتگان آنان را داخل بهشت برزخی می‌کنند مثل آیه شریفه که می‌فرماید: هنگامی که فرشتگان پاکیزه از شرک، متقین را قبض روح می‌کنند به آن‌ها می‌گویند که سلام بر شما به موجب اعمال نیکویی که انجام داده‌اید اکنون به بهشت در آیید.

در این آیه سخن از استقبال ملائکه از انسان‌های پاک و با تقوا در عالم برزخ است آیه دیگر که گویاتر است مربوط به داستان رفتن نماینده انبیاء برای هدایت مردم به نطاکیه است که مردم دعوت او را نمی‌پذیرند و این نماینده پس از درگیری شهید می‌شود قرآن می‌فرماید: **قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ** به این مرد با ایمان گفته شد داخل بهشت شود در جواب گفت ای کاش قوم من از این نعمت بزرگ آگاه بودند

که خداوند چگونه در حق من مغفرت و رحمت فرمود و مرا مورد لطف و کرم قرار داد.

۳- آیاتی که از حیات انسان‌های با سعادت و نیکوکار و پاداش آن‌ها یاد شده است مثل آنچه در مورد شهیدان نازل شده است: **وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ** فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ **وَيُسَبِّحُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه نزد پروردگار خویش زنده‌اند و روزی داده می‌شوند به سبب آنچه خدا از فضل و رحمت خویش به آن‌ها عنایت کرده شادمانند و به دوستان خود که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آن‌ها به راه آخرت خواهند شتافت مژده دهند که از مردن هیچ ترس و اندوهی نداشته باشید.

۴- آیاتی که از حیات انسان‌های فاسد و عذاب و رنج آن‌ها یاد شده است مثل آیه‌ای که می‌فرماید: **مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَاراً** بواسطه گناهایی که قوم نوح کردند غرق دریا شدند و پس از غرق در آتش انداخته شدند.. یعنی همین که غرق شدند بلافاصله وارد در آتش شدند، البته آیات یاد شده بعنوان نمونه آیات مطرح شد و نظایر این آیات در قرآن وجود دارد که این جزوه گنجایش ذکر همه آیات را ندارد اما احادیث و اخباری که در مورد برزخ زیاد است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- تکلم رسول خدا با کشتگان از قریش در بدر: در جنگ بدر عده‌ای از کشتگان کفار را در چاهی ریخته بودند پیامبر (ص) بر سر آن چاه آمد و به آن مردگان فرمود: شما ای کفار همسایگان بدی بودید پیامبر خدا را از خانه خویش را ندید و با او محاربه و جنگ نمودید آنچه را که خدا به من وعده داد دیدم که حق است آیا شما نیز وعده پروردگار را به حق یافتید عمر که این مکالمه را شنید گفت: ای پیامبر اینها که بدنهایی بی جان بیش نیستند چگونه با آن‌ها سخن می‌گویند؟ حضرت فرمود: ساکت شو ای پسر خطاب سوگند به خدا

که تو را در آن‌ها شنوایتر نیستی و همین که من برخیزم فرشتگان عذاب با گرزهای آهنین بر سرشان می‌کوبند.

۲- تکلم امیرالمومنین با کشتگان جمل: علی (ع) در پایان جنگ جمل با اسب میان کشتگان میگشت به جسد کعب بن سوره رسید امام دستور دادند که جسد او را بنشانند آنگاه خطاب به او فرمود: ای کعب من وعده خداوند را حق یافتم آیا تو نیز وعده خدای خود را راستین یافتی؟ سپس او را خواباندند آنگاه با پیکر طلحه نیز چنین کرد شخصی به آن حضرت عرض کرد: این کار چه سودی دارد آنان که سخن تو را نمی‌شنوند؟ حضرت فرمود: سوگند به خداوند که هر دو سخن مرا شنیدند چنانکه کشتگان بدر سخن پیامبر را شنیدند.

۳- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: الْقَبْرِ رَوْضَهُ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حَفْرُهُ مِنْ حَفْرِ النَّيرانِ. قبر باغی است از باغهای بهشت یا گودالی است از گودالهای آتش

مقصود از قبر در این حدیث نقطه چهار وجبی نیست بلکه قبر کنایه از آن جهان وسیع برزخ است که برای انسان بصورت باغ آتش در می‌آید

۴- از علی (ع) نقل شده که فرمودند: النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا مردم خوابند همین که می‌میرند بیدار می‌شوند.

۵- امام حسین (ع) در روز دهم محرم پس از آنکه نماز صبح را با اصحاب به جماعت خواندند خطبه کوتاهی برای اصحاب و یاران ایراد کردند و چنین فرمودند اندکی صبر و استقامت کنید مرگ جز پلی نیست که شما را از ساحل درد و رنج به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های وسیع عبور می‌دهد.

۶- شخصی به نام علی بن حمزه که امامت حضرت علی بن موسی (ع) را قبول نداشت وقتی مُرد نزدیکان امام احوال او را در قبر پرسیدند و گفتند آیا در آتش است؟ حضرت امام رضا (ع) فرمود: بله وقتی سووالی کردند امام تو کیست و انکار امامت مرا کرد ضربه‌ای به او زدند که قبرش مشتعل از آتش شد.

۷- عده‌ای با امام صادق (ع) مشغول صحبت بودند که امام در مورد برزخ سخن راندند و فرمودند برای شما ترس دارم از وضعیتی که در برزخ دارید پرسیدند: برزخ چیست فرمود از ساعت مرگ تا هنگامی است که انسان سر از قبر بیرون می‌آورد.

مبحث اصلی

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «همه پیامبران، زمانی چوپان بودند- من هم، پیش از رسیدن به این مقام، چوپان بودم- گاهی می‌دیدم که گوسفندان و شتران بی‌جهت، رم کرده‌اند و با ترس و وحشت از چرا برمی‌دارند. از این موضوع، بسیار در شگفت بودم، تا اینکه پس از پیامبری، فرشته وحی جبرئیل امین ماجرا را برایم چنین گفت: هنگامی که کافری را در قبر تازیانه می‌زنند، همه موجودات- غیر از جن و انس- صدای ضربات تازیانه را می‌شنوند و با شنیدن این صدای مهیب وحشت و تر بر آن‌ها چیره می‌شود. پس گفتم: آن به خاطر زدن کافر بوده است، پس پناه بر خدا از عذاب سخت قبر!».

ترسیمی از «حیات برزخی»

قال الصادق ع: «فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَيْرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا فَيَاكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ، فَإِذَا قَرِمَ عَلَيْهِمُ الْبَقَادِمُ، عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا» (Kulaini, 2006). امام صادق (ع) فرمودند: «هنگامی که خداوند، جان مومن را بگیرد، او را در کالبدی همانند دنیا قرار می‌دهد و با آن قالب از خوردنی‌ها و آشامیدن‌های بهشت برزخی می‌خورند و می‌آشامند، و اگر کسی بر آنان وارد شود به همان شکل و قیافه ای که در دنیا داشتند ایشان را می‌شناسند.

وادی برزخ

قال علی (ع) لَإِنَّ نَبَاتَةَ مِنْ أَصْحَابِهِ: «لَوْ كَشِفَ لَكُمْ لَرَائِئِمُ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَذَا الظُّهْرِ، حَلَقًا يَتَرَاوَرُونَ وَ يَتَحَدَّثُونَ، إِنَّ فِي هَذَا الظُّهْرِ رُوحُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ بَوَادِي بَرَهَوْتَ نَسْمَةُ كُلِّ كَافِرٍ» (Majlisi, 2007).

امام علی(ع) به ابن نباته فرمود: «اگر، حجاب برزخی کنار رود و آن جهان بر شما نمایان گردد، هر آینه ارواح مومنان را در پشت این شهر نجف خواهید دید که حلقه وار گرد هم آمده، باهم دیدار کنند و سخن گویند. روح هر مومنی در اینجاست و ارواح کفر در وادی برهوت.»

تجسم عمل

قال علی(ع): «إِذَا لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ثَلَاثَةٌ أَحْلَاءَ: فَخَلِيلٌ يَقُولُ: أَنَا مَعَكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ هُوَ عَمَلُهُ...» (Ibn Babawayh, 2010).

امام علی(ع) فرمود: «دوستان شخص ملمان سه تا هستند: مال، فرزندان، عمل و عمل، دوستی است که می گوید من در زندگی و مرگ همدم تو هستم.»

پرسش های برزخ

قال علی(ع): «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أُدْخِلَ حَفْرَتَهُ، آتَاهُ مَلَكَانِ اسْمُهُمَا: مَنْكِرٌ وَ نَكِيرٌ. فَأَلَوَّلُ مَا يَشَالَانَهُ: عَنْ رَبِّهِ، ثُمَّ عَنْ نَبِيِّهِ، ثُمَّ عَنْ وَلِيِّهِ...» (Majlisi, 2007).

یادداشت ها و کيفرها

فیما کَتَبَ امیرالمومنین علی(ع)، لِمَحَمَّدِ ابْنِ ابی بَکْرٍ: «يَا عِبَادَ اللَّهِ! مَا بَعْدَ الْمَوْتِ لِمَنْ لَا يُغْفَرُ لَهُ أَشَدُّ مِنْ الْمَوْتِ، الْقَبْرِ فَحَذَرُوا ضَيْقَهُ وَ ضَنْكَهُ وَ ظُلْمَتَهُ وَ غُرْبَتَهُ! إِنَّ الْقَبْرَ يَقُولُ فِي كُلِّ يَوْمٍ: اَنَا بَيْتُ الْغُرْبَةِ: اَنَا بَيْتُ التُّرَابِ، اَنَا بَيْتُ الْوَحْشَةِ، اَنَا بَيْتُ الدُّودِ وَ الْهَوَامِّ. وَ الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حَفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ.» إِذَا الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ إِذَا دُفِنَ قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ: مَرْحَبًا وَ أَهْلًا! قَدْ كُنْتَ مِمَّنْ أَحَبُّ أَنْ تَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِي، فَإِذَا وَكَيْتُكَ فَسَتَعْلَمُ كَيْفَ صَنِي بَكَ، فَيَسْمَعُ لَهُ مَدَّ الْبَصَرِ! وَ إِنَّ الْكَافِرَ إِذَا دُفِنَ، قَالَتْ لَهُ الْأَرْضُ: لَا مَرْحَبًا بِكَ وَ لَا أَهْلًا! لَقَدْ كُنْتَ مِمَّنْ أَبْغَضُ أَنْ تَمْشِيَ عَلَى ظَهْرِي، فَإِذَا وَكَيْتُكَ فَسَتَعْلَمُ كَيْفَ صَنِيْعِي بِكَ فَتَضْمُهُ حَتَّى تَلْتَقِيَ أَصْلَاعَهُ!» (Al-Shaykh al-Mufid, 2017).

امیرمومنان علی(ع) به محمدابن ابی بکر نوشت:

«ای بندگان خدا! سختی و آزار قبر برای گروهی که به درگاه پروردگار آمزیده نشده اند، دردآورتر از حتی هنگام جان کندن

است. پس، از تنگی، فشار، تاریکی و تنهایی آن بهراسید! قبر، هر روز چنین ندا سر می دهد: منم خانه غربت! منم خانه ظلمت! منم خانه وحشت! رای کافران منم خانه مهر و بخشش! برای نیکوکاران. قبر محدود به این ظاهر نیست، بلکه باغی از بستان های بهشت و یا گودالی از گودال های جهنم است. وقتی، مومن وارد قبر می شود به او گوید: اهلا و مرحبا. و تا چشم کار می کند، قبرش را گشایش دهد، اما هنگامی که کافر وارد قبر شود، به او گوید: لا اهلا و لا مرحبا-وه! که خوش نیامدی- و چنان فشارش دهد که استخوان هایش درهم شکند و خرد شود.»

در آستانه خروج

سئلَ عَنِ الصَّادِقِ(ع): أَيْتَلَا شَيْءَ الرُّوحِ خُرُوجِهِ عَنْ قَلْبِهِ أَمْ هُوَ بَاقٍ؟ قَالَ: «بَلْ هُوَ بَاقٍ وَ قَدْ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تُتَطَّلُ الْأَشْيَاءُ كَمَا بَدَأَهَا مُدْبِرُهَا...» (Tabarsi, 2005).

از امام صادق(ع) پرسیده شد: آیا روح بعد از خارج شدن از کالبدش متلاشی می شود یا باقی می ماند؟
فرمود: «روح تا نفخه صور اول در برزخ باقی می ماند و پس از آن، همه موجودات تا نفخه صور دوم از بین می روند و انسان نیز در خاموشی و سکوت خواهد بود.»

معنای برزخ در اصطلاح متکلمان

در اصطلاح متکلمان، عالم برزخ عالم میان مرگ و قیامت است (Ash'ariq, 1878). معنای این اصطلاح آن قدر روشن است که هرگاه واژه برزخ بدون قرینه به کار برده شود، جز معنای عالم میان مرگ و قیامت، هیچ معنای دیگری به ذهن خطور نمی کند. متکلمان و گاهی مفران مسلمان برزخ را در چند معنای دیگر نیز استعمال کرده اند، برخی از این معانی عبارتند از:

برزخ در قیامت

عبارت از حد فاصل بین عقبه قیامت است، یعنی همان چیزی که میان انسان و رسیدن به مقامات برتر بهشت حایل می شود. بر اساس این معنا کسی که در بهشت به سر می برد، اما به مقامات برتر بهشت نرسیده است، در برزخ به سر می برد، زیرا برخی اعمال دنیوی او

برزخ، حایل و مانع رسیدن او به مقام‌های برتر بهشت شده است. برخی متکلمان و مفسران، واژهٔ برزخ را در آیهٔ شریفه و مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزُ الْيَوْمِ يَبْعَثُونَ^۱ و در پیش روی آنان تا روزی که برانگیخته شوند، برزخ است به همین معنا گرفته‌اند یا یکی از معانی محتمل برزخ در آیهٔ شریفه را همین معنا دانسته‌اند. همچنین این گروه، «برزخ» در این آیهٔ شریفه را با عقبه در آیهٔ شریفه فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ^۲ (انسان از آن گردنه بالاتر رفت)، متناظر می‌دانند و معتقدند برزخ، در هر دو آیه کسان، و عبارت است از همان گردنه ای که افراد غیر صالح نمی‌توانند از آن بالا بروند (Raghib Isfahani, 2004).

برزخ به معنای حایل از قدرت خداوند

این معنا از تفسیر دو آیه و هُوَ مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذَبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَلَّ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَحْجُورًا^۳ وَ مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَبْتَقِيَانِ* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ^۴ به دست می‌آید؛ یعنی خداوند با قدرت خود بین این دو دریای شور و شیرین، حاجز و جداکننده‌ای قرار داده است که مخلوسط نشوند (Tabarsi, 2005). برخی این حایل را نامرئی دانسته‌اند، همان طوور که «عَمَد» (ستون)، در آیات اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...^۵ وَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...^۶ نامرئی است و خدا با قدرت نامرئی خود، آسمان و زمین را نگه داشته است (Zamakhshari, 2003).

ارتباط معانی لغوی اصطلاحی

همه معانی اصطلاحی برزخ، اعم از برزخ در اصلاح حکما، عرفا و متکلمان، از این جهت با معنای لغوی برزخ، (حاجز و حد وسط بین دو چیز) ارتباط دارند که حد وسط میان دو عالم هستند. درواقع می‌توان گفت هر سه معنای اصطلاحی برزخ، به نحوی حد وسط بین دو امر هستند. در اصطلاح حکما برزخ همان عالم مثال است که حد وسط میان عالم ماده و عالم عقل می‌باشد. برخی خصوصیات آن به عالم ماده و برخی خصوصیاتش به عالم عقل شبیه است، ولی هیچ

کدام از آن دو عالم نیست. در اصطلاح عرفا برزخ دو قسم است: نخست، برزخ نزولی، یعنی عالم مثال منفصل که حد وسط میان عالم عقل و عالم ماده است و از این رو با معنای لغوی مرتبط است؛ دوم برزخ صعودی که حصه‌ای از مثال منفصل می‌باشد و تقریباً همان عالم برزخ نزد متکلمان است و چون حد وسط بین دنیا و آخرت است، با معنای لغوی اش ارتباط دارد. در اصطلاح متکلمان نیز برزخ عالمی است که انسان پس از مرگ تا قیامت در آن به سر می‌برد و چون حد وسط میان مرگ و قیامت است، با معنای لغوی، یعنی حد وسط و حاجز بین دو چیز، مرتبط می‌شود. بنابراین می‌توان گفت در همه این معانی، ارتباط بین معنای لغوی و معنای اصطلاحی کاملاً حفظ شده است و درواقع جزء آن دسته از معانی منقولی می‌باشد که این ارتباط به طور کامل در آن‌ها حفظ شده است. از این رو بسیاری از کتب لغت هر سه معنا یا دست کم برخی از معانی اصطلاحی آن را ضمن بیان معنای لغوی برزخ آورده‌اند.

عالم برزخ از نظر ادله نقلی

وجود عالم برزخ در آیات و روایات

حیات، علم، بساطت و مقدار در عالم برزخ از دیدگاه آیات و روایات

مکان در عالم برزخ از دیدگاه آیات و روایات

زمان در عالم برزخ از دیدگاه آیات و روایات

حرکت در عالم برزخ از دیدگاه آیات و روایات

وجود عالم برزخ

اقوال گوناگون درباره وجود یا عدم عالم برزخ

مراد از عالم برزخ، همان برزخ در اصطلاح متکلمان یا همان برزخ در اصطلاحات دینی، یعنی عالم میان مرگ و قیامت و به تعبیر رایج متکلمان، عالم قبر می‌باشد. اکنون باید وجود داشتن یا وجود نداشتن عالم برزخ بررسی شود؛ یعنی بررسی شود که آیا حقیقتاً انسان پس از مرگ تا قیامت در عالم برزخ به سر می‌برد یا این گونه نیست آیا

^۱ مومنون (۲۳)، ۱۰۰.

^۲ بلد (۹۰)، ۱۱.

^۳ فرقان (۲۵)، ۵۳.

^۴ الرحمن (۵۵)، ۱۹-۲۰.

^۵ رعد (۱۳)، ۲.

^۶ لقمان (۳۱)، ۱۰.

میان مسلمانان وجود عالم برزخ امری ضروری است به این معنا که هیچ مسلمانی آن را انکار نکرده است و اگر کسی آن را انکار کند، در زمره مسلمانان قرار ندارد یا میان مسلمانان نیز وجود عالم برزخ امری ضروری نیست و می‌توان کسانی را یافت که عالم برزخ را انکار می‌کنند و در عین حال مسلمان‌اند. با بررسی اجمالی دیدگاه متفکران، چه متفکران مسلمان و چه غیرمسلمان، می‌توان دیدگاه‌های گوناگون را به چند دسته کلی تقسیم کرد:

دسته اول

مادی‌گرایان و کسانی که منکر حقیقت نفس‌اند یا نفس را امری مادی و فناپذیر می‌دانند. این گروه نفس را فناپذیر می‌دانند و نه فقط عالم برزخ، بلکه قیامت را نیز قبول ندارند. راسل، با همین رویکرد، نوشته‌ای تحت عنوان «مرگ پایان همه چیز» می‌نویسد، و در آن برزخ و قیامت را منکر می‌شود (Russell, 2006).

دسته دوم

کسانی که نفس را مجرد و جاودانه می‌دانند یا نفس را مادی (جسم لطیف) و در عین حال جاودانه می‌دانند و قائل به معاد و قیامت هستند. این گروه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) کسانی که معتقدند انسان با مرگ از بین می‌رود و خداوند در قیامت، دوباره او را زنده می‌کند. قائلان به این دیدگاه، مرگ را امری عدمی می‌دانند و منکر عالم برزخ‌اند. میان مسلمانان نیز این دیدگاه طرفدارانی هرچند اندک دارد، مثلاً عضدالدین ایجی این دیدگاه را به ضراربن عمرو، بشرالمریسی، و بیشتر متأخرین معتزله نسبت داده است:

و اتفق علیه سلف المة قبل ظهور الخلاف و الاكثر بعده و انكر ضرار بن عمرو، و بشرالمریسی، و اكثر متأخرين من المعتزله، «و امت مسلمان پیش از ظاهر شده اختلاف، بر وجود عالم برزخ اتفاق نظر داشتند، همان گونه که پس از ظهور خلاف نیز بیشتر مسلمانان بر این عقیده بودند، فقط ضراربن عمرو، بشر مریسی و بیشتر متأخرین معتزله، منکر عالم برزخ‌اند».

برخی ضمن اسناد انکار برزخ به ضراربن عمرو، ادعا کرده‌اند، در نزد مسلمانان بر وجود برزخ اجماع وجود دارد... نقل عن ضرارآنه أنكر عذاب القبر و الاجمع علی خلافه (Hilli, 2020)، «عبراتی از ضرار مبنی بر انکار عذاب قبر (برزخ) نقل شده است؛ در حالی که اجماع بر وجود عالم برزخ است». برخی متکلمان نیز این دیدگاه را به معتزله نسبت داده‌اند... و نب خلاف العذاب القبر الی المعتزله...» (Sa'd al-Din al-Taftazani, 2021) و انکار عذاب قبر (عالم برزخ) به معتزله نسبت داده شده است، و انکرت المعتزله عذاب القبر، و قد روی عن احد منهم أنه انكره و نفاه و جحدته فوجب أن يكون أجماعاً عن اصحاب النبي صلى الله عليه و سلم» (Ash'ariq, 1878) «معتزله منکر عذاب قبر (برزخ) بودند و از یکی از معتزلیان نقل شده است که او برزخ را انکار کرده است. البته عالم برزخ میان پیروان پیامبر اکرم (ص) اجماعی است». در منابع کلامی، این دیدگاه به ضراربن عمرو معتزلی و برخی دیگر از معتزلیان نسبت داده شده است؛ اما برخی معتزله چنین نقل کرده‌اند که در ابتدا ضرار از معتزلیان بود، ولی از معتزله فاصله گرفت و اصحاب معتزله از او بیزارند (Sa'd al-Din al-Taftazani, 2021). نویسنده کتاب شرح الاصول الخمسه نیز انکار برزخ را تهمت ابن راوندی به معتزلیان می‌داند و معتقد است، ابتدا ضراربن عمرو معتزلی بوده، بعد به جریان ملحق شده است:

و جملة ذلك أنه لا خلاف فيه بين الأمة إلا شيء يحكي عن ضراربن عمرو و كان من اصحاب المعزله ثم التحق بالمجبرة و لهذا ترى ابن الرواندي يشنع علينا و يقول: انّ المعتزله ينكرون عذاب القبر و لا يقرون به... و اجمالاً درباره علم برزخ هیچ اختلافی میان امت اسلام به استثنای ضراربن عمرو وجود ندارد، و او هم قبلاً جزء معتزلیان محسوب می‌شد؛ ولی به جریان ملحق شد و دیگر معتزلی مذهب نیت و این تنها تهمتی از طرف ابن راوندی بر ما معتزلی مذهبین بود؛ و گر نه ما هم منکر عالم برزخ نیستیم».

ب) کسانی که به عالم برزخ معتقدند، یعنی معتقدند انسان با مرگ به عالم برزخ می‌رود و تا قیامت در آنجا به سر می‌برد، و از نعمت‌های

عالم برزخ برخوردار می‌شود یا از عذاب‌های عالم برزخ رنج می‌برد، در حقیقت این گروه مرگ را امری وجودی می‌دانند و عالم برزخ را قبول دارند. البته آنان درباره این که آیا همه افراد از نعمت‌های آن عالم برخوردار، یا در آنجا عذاب می‌شوند یا ثواب و عقاب برزخی منحصر به عده خاصی است، اتفاق نظر ندارند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

یکم. برخی معتقدند همه انسان‌ها، پس از مرگ وارد برزخ می‌شوند و همه به حسب اعمال خوب یا بد خود، از ثواب و عقاب عالم برزخ بهره‌مند خواند بود.

دوم. گروهی معتقدند فقط مومنان محض و کفار محض، ثواب و عقاب دارند و دیگران در عالم برزخ هستند، اما تا قیامت در حال بی‌خبری به سر می‌برند.

توضیح و نقد این اقوال به تفصیل خواهد آمد. خلاصه این اقوال چنین است.

از مباحث پیشین روشن شد که به استثنای اندکی از معتزله، که انکار برزخ به آن‌ها نسبت داده شده است، دیگر مفسلمانان، عالم برزخ را پذیرفته، و برخی بر وجود آن ادعای اجماع کرده‌اند، هرچند بر اساس عبارات خود معتزله، قطعی نیست معتزله عالم برزخ را انکار کرده باشند و برخی آن را تهمتی به معتزلیان می‌دانند. گفتنی است برزخ یا عالم قبر در عذاب و ثواب ثمر خلاصه نمی‌شود، ولی یکی از حالات برزخیان ثواب یا عقاب در آن عالم است، اما سخنان متکلمان درباره عذاب و ثواب قبر برای اثبات یا نفی عالم برزخ است. این نکته نیز گفتنی است که اجماعی بودن اعتقاد به عالم برزخ لزوماً به معنای ضروری بودن این عالم در نزد مسلمانان نیست؛ زیرا ضروری بودن غیر از اجماعی بودن است. ضروری بودن برزخ به این معنا است که اگر کسی این عالم را قبول نداشته باشد، به حکم انکار یکی از ضروریات و ارکان دین اسلام، دیگر مسلمان نیست؛ در حالی که می‌توان عالم برزخ را پذیرفت، ولی آن را ضروری ندانست. حتی

اگر کسی عالم برزخ را منکر شود، ولی معاد و قیامت را قبول داشته باشد، هنوز منکر ضروری دین اسلام نشده، و بنابراین مسلمان است. بلکه آنچه ضروری دین اسلام است معاد است و می‌توان یکی از مهم‌ترین فروع معاد را عالم برزخ دانست. برخی از بزرگان دین اسلام مانند علامه طباطبایی (ع) تصریح کرده‌اند که اعتقاد به عالم برزخ از ضروریات دین نیست (Tabatabai, 2014a). با این که وجود عالم برزخ را پذیرفته‌اند و برای اثبات آن نیز استدلال‌هایی اقامه کرده‌اند.

وجود عالم برزخ در آیات و روایات

به صورت‌های گوناگون آیاتی که به وسیله آن‌ها می‌توان بر وجود عالم برزخ استدلال کرد، تقسیم شده است که ما یکی از این دسته‌بندیها را بیان می‌کنیم. در نگرش کلی، این آیات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

آیاتی که در آن‌ها به صراحت برزخ نام برده شده، و پس از مرگ جایگاه انسان را عالم برزخ دانسته است:

قرآن در سوره مومنون به صراحت از برزخ نام برده، و آن را جایگاه انسان از زمان مرگ تا قیامت دانسته است؛ به عبارتی در این آیه واژه برزخ در معنای اصطلاحی علم کلام به کار رفته است:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا أَنهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ^۱
کسانی که شرک ورزیدند وقتی مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گویند: خداوند! مرا به دنیا برگردان شاید برخی از اعمال صالحی را انجام دهم که در دنیا وا گذاشته‌ام. هرگز به درخواست آن‌ها پاسخ مثبت داده نمی‌شود و پیش روی آن‌ها برزخی است تا روزی که برای قیامت محشور شوند. «واژه «وراء» در آیه شریفه برخلاف معنای متداولش، که پشت سر و خلف است، در معنای دیگرش، یعنی جلو و پیش رو استعمال شده است. اهل لغت نیز یکی از معانی «وراء» را جلو و پیش رو می‌دانند (Raghib Isfahani, 2004). در

۱. ممنون (۲۳)، ۹۹-۱۰۰

برخی آیات دیگر نیز «وراء» به معنای پیش رو به کار رفته است؛ چنان که در آیه شریفه... وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا^۱ و در پیش روی آن‌ها پادشاه ستمگری است که هر کشتی سالم را غصب می‌کند، نیز در همین معنا به کار رفته است. آیه ۱۰۰ سوره مومنون تنها آیه‌ای است که در آن «برزخ» به معنای اصطلاحی خود، یعنی عالم حدفاصل بین مرگ و قیامت یا عالم قبر به کار رفته است. از این آیه به خوبی می‌توان استفاده کرد که انسان پس از مرگ تا قیامت در عالم برزخ به سر می‌برد، اما نباید این نکته را نادیده انگاشت که از این آیه شریفه هم اصل وجود عالم برزخ استفاده می‌شود و هم حیات برزخی و زنده بودن انسان در برزخ به دست می‌آید؛ زیرا انسان از خداوند درخواست می‌کند که او را به دنیا برگرداند و معلوم است فقط کسی می‌تواند چنین درخواستی داشته باشد که حیات دارد و زنده است. هنگام بررسی حیات برزخی در این باره به تفصیل بحث خواهد شد.

آیاتی که واژه برزخ در آن‌ها به کار نرفته است؛ اما می‌توان وجود عالم برزخ و حیات برزخی انسان پس از مرگ را از آن‌ها استنباط کرد. این آیات خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) آیاتی که به زنده شدن دوباره انسان‌ها پیش از برپایی قیامت دلالت می‌کنند. اکنون برخی از این آیات را بیان می‌کنیم: قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ^۲ کافران در روز قیامت می‌گویند: پروردگارا! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. پس به گناهان خود اعتراف نمودیم. پس آیا راهی برای بیرون آمدن از اینجا وجود دارد؟

تفسیر صحیح این دو مرگ و احیا چنین است:

۱. میراندن نخست: مرگ و وارد شدن به عالم برزخ

۲. زنده کردن نخست: زنده کردن در عالم برزخ

۳. میراندن دوم: میراندن پس از برزخ با نفخ صور اول اسرافیل

۴. زنده کردن دوم: زنده کردن برای روز قیامت (با نفخ صور دوم اسرافیل).

برخی مفسران نیز این تفسیر را برگزیده‌اند (Tabatabai, 2014b). براساس این تفسیر، تصور دو امانه و دو احیا بدون وجود عالم برزخ مشکل، بلکه غیرممکن است. گفتنی است در مجموع انسان سه بار زنده می‌شود و دو بار می‌میرد در آیه بعد این مطلب بیان شده است. سه بار زنده شدن عبارت است از زنده شدن در عالم ماده، زنده شدن در برزخ، و زنده شدن در قیامت و دوبار میراندن، یعنی میراندن و وارد شدن در برزخ و دیگری میراندن هنگام دمیده شدن صور اسرافیل برای قیامت؛ اما در آیه شریفه، احیای نخست، یا زنده شدن نخستین (زنده شدن در عالم ماده) بیان نشده است؛ زیرا رد روز قیامت کافران این دو احیا و دو امانه را دلیل یقین یافتن به معاد دانسته‌اند و حال آنکه حیات دنیوی یا احیای نخستین در یقین یافتن آن‌ها به معاد نقش ندارد؛ زیرا آنان حیات دنیوی را درک کردند، ولی همچنان بر کفر خود اصرار ورزیدند (Makarem Shirazi, 2002).

نتیجه‌گیری

دلایل نقلی بر وجود برزخ وجود دارد که در زیر بیان شده است:

الف) قرآن

آیاتی از قرآن مجید بر وجود عالم برزخ دلالت دارند؛ برای نمونه: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا آن‌ها كَلِمَةً هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ تازمانی که مرگ یکی از آنان [کافران] را فرارسد، می‌گوید: پروردگارا، مرا بازگردان، شاید در آنچه به‌جا گذاشتم و کوتاهی کردم، عمل صالح انجام دهم. ولی به او می‌گویند: چنین نیست. این سخنی است که او به زبان می‌گوید و اگر بازگردد کارش همچون گذشته است و پشت سر آنان برزخی است، تا روزی که برانگیخته شوند.» در این آیه، از برزخ به‌صراحت یاد شده است. امام صادق

^۲ غافر (۴۰)، ۱۱.

^۱ کهف (۱۸)، ۷۹.

(علیه السلام) در تفسیر آیه فرمودند: «الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ وَ فِيهِ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ برزخ همان قبر است که در میان دنیا و آخرت قرار دارد و مؤمنان و نیکوکاران آنجا در لذت هستند و کافران و بدکاران در عذاب.»

ب) روایات

روایات دربارهٔ برزخ متواتر است و اینجا به سخن امیرمؤمنان (علیه السلام) بسنده می‌شود؛ حضرت هنگام مراجعت از جنگ صفین در کنار قبرستانی که پشت دروازهٔ کوفه بود ایستاد و خطاب به ارواح مردگان چنین فرمود: «يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوَحِّشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا قَرُطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنَتْ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ هَذَا خَبَرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرٌ مَا عِنْدَكُمْ؛ شما بر ما پیش قدم شدید و ما نیز به شما ملحق خواهیم شد، دیگران در خانه‌هایتان ساکن شدند، همسرانتان به ازدواج دیگران درآمدند و اموالتان تقسیم شد. این‌ها خبرهایی است که نزد ماست، نزد شما چه خبر است» آن‌گاه به یارانش رو کرد و فرمود: «آگاه باشید، اگر به این‌ها اجازهٔ سخن گفتن داده شود، به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه در سفر آخرت پرهیزگاری است.» اصل وجود عالم برزخ با برهان عقلی و نقلی به اثبات رسید. اکنون مهم این است که بدانیم حیات عالم برزخ چگونه است روح بعد از جداشدن از بدن، در برزخ چگونه زندگی می‌کند آیا در بدن دیگری قرار می‌گیرد یا مجرد از بدن است آنچه از روایات برمی‌آید این است که روح انسان، بعد از پایان زندگی این جهان، در جسم لطیفی قرار می‌گیرد که نه به کلی مجرد است نه مادی و چون همانند جسم دنیایی است به آن «قالب مثالی» یا «بدن مثالی» می‌گویند. البته این قالب از

بسیاری از عوارض مادی دنیا برکنار است. کلینی در روایت معتبری از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که کسی از امام پرسید: «عده ای معتقدند که ارواح مؤمنان در چینه‌دان پرندگان سبز رنگی قرار می‌گیرند آیا این اعتقاد درست است. امام در جواب فرمود: «الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَجْعَلَ رُوحَهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ وَ لَكِنْ فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ؛ مؤمن نزد خداوند گرامی‌تر از آن است که روحش در چینه‌دان پرنده قرار گیرد، بلکه ارواح آن‌ها در بدن‌های شبیه بدن‌های دنیوی قرار می‌گیرد.» روح انسان با ورود به عالم برزخ، مرحله‌ای دیگری از حیات را آغاز می‌کند؛ حقایقی را که در دنیا درک نکرده بود، آنجا درمی‌یابد، همه چیز را حس می‌کند و از بعضی چیزها لذت می‌برد و از بعضی دیگر رنج و عذاب می‌کشد. لذت و رنج در عالم برزخ با نوع رفتار و گفتار انسان در این دنیا پیوند دارد. کافران و بدکاران در عالم برزخ در عذابند و به‌همین دلیل، آرزوی بازگشتن به دنیا را دارند تا کارهای شایسته انجام دهد و از عذاب هولناک برزخ نجات یابند، اما بازگشت هرگز ممکن نیست. ارواح مؤمنان و نیکوکاران در عالم برزخ از لذت‌های بهشت (نه بهشت جاویدان) بهره‌مند می‌گردند و با فرشتگان در گفت‌وگو هستند: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ همان‌ها که فرشتگان مرگ روحشان را می‌گیرند، درحالی که پاک و پاکیزه‌اند، به آن‌ها می‌گویند: سلام بر شما، وارد بهشت شوید به‌خاطر اعمالی که انجام می‌دادید.»

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of Barzakh, often translated as the intermediate realm or the barrier between life and resurrection, has been widely discussed in Islamic theology and philosophy. Linguistically, Barzakh signifies a separator, barrier, or hidden divider between two realms. This term has been used

metaphorically to describe various separations, including the boundary between water bodies, light and darkness, and ultimately, between this world and the hereafter. Islamic texts, particularly the Quran and narrations from the Imams, provide extensive discussions on Barzakh, indicating that it is a state between death and the Day of

Resurrection. The Quran explicitly mentions Barzakh in Surah Al-Mu'minun (23:100), stating that after death, humans remain in this intermediate state until the final resurrection. Moreover, numerous hadiths elaborate on the nature of Barzakh, explaining that it is a place of reward or punishment based on one's deeds in life. Imam al-Sadiq (peace be upon him) emphasizes the fear of punishment in Barzakh, distinguishing it from the intercession that may occur on the Day of Judgment. The Islamic scholarly tradition is divided on whether belief in Barzakh is an essential doctrine of faith, such that its rejection equates to disbelief. While some theologians argue that the existence of Barzakh is a universally accepted Islamic belief, others contend that certain groups have historically denied its existence without necessarily exiting the fold of Islam (Tabatabai, 2014b). These debates highlight the significance of understanding Barzakh through transmitted proofs, as it remains a critical aspect of Islamic eschatology.

From a Quranic perspective, the concept of Barzakh is primarily established through direct and indirect references to the post-mortem state of human souls. The clearest mention of Barzakh is found in Surah Al-Mu'minun (23:99-100), where a person at the moment of death pleads to return to worldly life, but is denied and informed that a "barrier" (Barzakh) exists until the Day of Resurrection. This verse unequivocally supports the notion that the deceased enter an intermediate realm before the final judgment. Additionally, other Quranic verses indirectly refer to the experiences of the deceased in Barzakh. For example, Surah Al-Nisa (4:97) describes the dialogues between angels and sinful individuals at the moment of death, where the deceased express regret over their actions. Such verses suggest a continuation of consciousness and accountability in Barzakh, supporting the view that it is a realm of spiritual consequence (Kulaini, 2006). Other verses refer to the rewards of the righteous and the punishment of evildoers immediately after death, reinforcing the idea that Barzakh is not merely a

dormant state but an active phase of existence. The experiences of the martyrs, who are described as alive and receiving sustenance from their Lord (Surah Aal-E-Imran, 3:169-170), further substantiate the belief in an intermediate phase before the final resurrection (Tabarsi, 2005). In contrast, some Quranic commentators from the Mu'tazilite school have argued that references to post-mortem experiences in the Quran are metaphorical and do not necessarily imply a distinct realm of existence between death and resurrection. However, the dominant Sunni and Shia theological traditions have maintained that the Quran affirms the reality of Barzakh, aligning with prophetic traditions and the consensus of Islamic scholars (Majlisi, 2007).

The hadith literature provides a detailed account of the nature and characteristics of Barzakh, reinforcing the concept presented in the Quran. Numerous narrations describe the questioning of the deceased by the angels Munkar and Nakir, the presence of rewards for the pious, and the punishments awaiting transgressors in the grave. Imam Ali (peace be upon him) famously addressed the dead, stating that if they could speak, they would affirm the reality of Barzakh and the consequences it entails. Similarly, the Prophet Muhammad (peace be upon him) is reported to have conversed with the deceased following the Battle of Badr, asking them if they had found the divine promise to be true, indicating that the souls of the dead remain conscious and aware of their surroundings (Ibn Babawayh, 2010). Furthermore, narrations describe Barzakh as either a garden from the gardens of Paradise or a pit from the pits of Hell, signifying that it serves as a prelude to the final judgment based on one's earthly deeds. Another widely cited hadith states that the grave is the first stage of the afterlife, and those who pass through it successfully will find the rest of their journey easier, while those who fail will endure increasing hardship (Al-Shaykh al-Mufid, 2017). These traditions collectively emphasize that Barzakh is not a mere suspension of existence but a phase where the soul experiences either comfort

or torment in anticipation of the ultimate resurrection. Although interpretations of these narrations vary, the overwhelming consensus among scholars upholds their authenticity and significance in Islamic eschatology (Sa'd al-Din al-Taftazani, 2021).

Theological perspectives on Barzakh vary across Islamic schools of thought, with debates focusing on its nature, necessity, and implications for the doctrine of the afterlife. Classical Sunni and Shia scholars generally affirm the existence of Barzakh as a fundamental aspect of the eschatological process, arguing that it aligns with divine justice by allowing for an intermediary phase before the final judgment. Shia scholars, particularly within the Imami tradition, emphasize the role of divine justice in Barzakh, where every individual receives recompense according to their deeds prior to resurrection (Raghib Isfahani, 2004). This perspective is further reinforced by interpretations of the Quran and hadith that describe Barzakh as a realm where divine wisdom ensures that souls receive preliminary judgment. On the other hand, Mu'tazilite theologians have historically questioned the necessity of Barzakh, arguing that divine justice can be fully realized in the final resurrection without requiring an intermediate stage. Some even suggested that references to post-mortem experiences in the Quran are symbolic, rather than literal, and that the actual judgment occurs only on the Day of Resurrection (Russell, 2006). However, mainstream Islamic scholarship has consistently defended the literal existence of Barzakh, citing both textual and rational arguments to justify its necessity as part of the divine plan (Ash'ariq, 1878). The ongoing theological discussions highlight the richness of Islamic eschatology and the diverse interpretations that scholars have contributed over the centuries.

The philosophical dimensions of Barzakh delve into its metaphysical nature, exploring whether it constitutes a purely spiritual realm or possesses a quasi-material existence. Islamic philosophers such as Mulla Sadra have proposed that Barzakh exists on an intermediary ontological level, distinct from

both the physical world and the purely spiritual realm of the afterlife. This view aligns with his theory of substantial motion (al-harakat al-jawhariyya), which suggests that the soul undergoes continuous transformation and refinement, experiencing Barzakh as part of its existential journey (Hilli, 2020). According to this perspective, Barzakh serves as a realm of purification, where the soul gradually detaches from its material constraints and prepares for the final resurrection. Such philosophical interpretations offer a nuanced understanding of Barzakh, integrating theological doctrines with metaphysical insights. Additionally, the concept of Barzakh resonates with mystical interpretations found in Sufi thought, where it is perceived as a veil between different states of existence, allowing for spiritual ascension and realization (Makarem Shirazi, 2002). These perspectives contribute to a holistic understanding of Barzakh, demonstrating its significance beyond traditional theological discourse.

In conclusion, the concept of Barzakh is deeply embedded in Islamic eschatology, supported by Quranic verses, hadith literature, and theological interpretations. While scholars have debated its precise nature, the majority view affirms Barzakh as an intermediate realm where souls experience preliminary rewards or punishments based on their earthly actions. The discussions surrounding Barzakh reflect broader questions about divine justice, the continuity of the soul, and the process of resurrection. Whether interpreted through theological, philosophical, or mystical lenses, Barzakh remains a fundamental aspect of Islamic thought, shaping Muslim beliefs about the afterlife and the journey of the soul beyond death.

References

- Al-Shaykh al-Mufid, M. i. N. a. (2017). *Al-Amali Transl. - T. Tarzi*. Qom: Tahzib Library.
- Ash'ariq, A. H. (1878). *Al-Ibanah 'an Usul al-Diyanah*. Cairo: Dar al-Ansar.
- Hilli, H. i. Y. (2020). *Kashf al-Marad fi Sharh Tajrid al-Itiqad*. Tehran: Institute for the History of Wisdom and Philosophy in Islam.

- Ibn Babawayh, M. i. A. (2010). *Kitab al-Khisal* (Vol. 1). Tehran: Ketabchi Publisher.
- Kulaini, M. i. Y. q. (2006). *Al-Kafi Transl.* - S. J. Mostafavi. Publisher: Islamic Seminary.
- Majlisi, M. B. (2007). *Bihar al-Anwar* (Vol. 6). Publisher: Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, N. (2002). *Al-Mathal fi Tafsir Kitab Allah al-Munzal* (Vol. 15). Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib (AS).
- Raghib Isfahani, H. i. M. (2004). *Mufradat al-Alfaz al-Quran al-Karim*. Tehran: Dhawi al-Qurba Publisher.
- Russell, B. (2006). *Death: The End of Everything Transl.* - S. M. Rezazadeh In Collection of *Articles on Death and Eternity*. Tehran: Niloufar Publications.
- Sa'd al-Din al-Taftazani, M. i. U. i. A. (2021). *Sharh al-Maqasid* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Tabarsi, F. i. H. (2005). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 9). Tehran: Nasir Khosrow Publisher.
- Tabatabai, S. M. H. (2014a). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 17). Beirut: Al-Alami Publications.
- Tabatabai, S. M. H. (2014b). *Fi Tafsir al-Quran* (Vol. 1). Beirut: Al-Alami Publications.
- Zamakhshari, M. i. U. (2003). *Al-Kashaf 'an Ghawamid al-Tanzil* (Vol. 3). Tehran: Al-Balag Publisher.